

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکات کلیدی و تفسیری جزء دوم قرآن کریم

حرکت ، سرعت ، سبقت

فراز اول: فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (۱۴۸- بقره)

توصیه قرآن کریم در انجام امور خیر و عمل صالح، ابتدا حرکت است و بعد سرعت است و سپس سبقت.

سرعت در این امور هم به این است که هرگاه زمینه انجام آن فراهم شد، بدون فوت وقت آن کار عملی شود. امام باقر علیه السلام مرتب سفارش می کردند: «إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ» هنگامی که تصمیم به کار خیری گرفتی فوراً آن را انجام بده و آن را به بعد موکول نکن؛ چون نمی دانی بعد چه می شود.

سبقت که به معنای پیشی گرفتن است به دو صورت واقع می شود یکی در اصل انجام است که فرد از دیگرانی که آن ها نیز داوطلب آن کار خیر هستند پیشی گرفته و مثلاً زودتر از آن ها دست به جیب شده و مشکل نیازمندی را به میزان توان خودش برطرف می سازد. دیگری سبقت در کمیت آن کار خیر است؛ به این شکل که فرد از دیگرانی که آن ها هم عامل به کار خیر یا دارای فضیلت اخلاقی اند گوی سبقت را ربوده و از آن ها متواضع تر، صبورتر و مانند آن است.

قرآن کریم چنین مؤمنانی را به مقام قرب الهی بشارت می دهد و می فرماید: «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»

آنچه که ما با آن امتحان می شویم؟

فراز دوم: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرٍ الصَّابِرِينَ (۱۵۵- بقره)

جهان، صحنه آزمون الهی است. کسی وارد بهشت نمی شود مگر آنکه با موفقیت این آزمون ها را که پیشینیان هم به آن آزموده شدند یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و سربلند بیرون آید. در همین سوره می خوانیم: أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَ الضَّرَاءُ (۲۱۴- بقره) آیا گمان کردید داخل بهشت می شوید بی آنکه حوادثی همچون حوادث سخت گذشتگان به شما برسد؟ همان ها که شدائد و زیان های فراوان به آن ها رسید.

آیه مورد بحث به شکلی جزئی تر به آن ناملایمات پرداخته و با بیان دقیق تر آسیبهایی که برای امتحان بشر، همواره در زندگی او رخ می دهند را بیان می کند: «به طور قطع ما همه شما را با اموری همچون ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کم شدن فرزندان یا میوه ها آزمایش می کنیم.» آنان که در این آزمایش ها صبر سازنده، پیشه ساختند؛ اهل هدایتند و درود و رحمت الهی روزی آن ها می شود.

سنت‌هایی که کورکورانه تکرار می‌شود

فِرَازِ سَوْمٍ: وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانِ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (۱۷۰- بقره)

این آیه، رفتار کسانی که کورکورانه از سنت گذشتگان خود پیروی می‌کنند را خطایی بس بزرگ می‌شمارد و برای بیدار کردن وجدان خفته آنها چنین می‌گوید: اگر نیاکان آنها دانشمندان صاحب نظر و افراد هدایت یافته‌ای بودند جای این بود که از آنها تبعیت شود؛ اما وقتی آنها مردمی نادان و بی سواد و موهوم‌پرست بودند پیروی آنها چه معنایی خواهد داشت؟ آیا این کار، مصداق تقلید جاهل از جاهل نیست؟!

تنها تقلید و تبعیتی که عقل می‌پذیرد و نقل دستور می‌دهد تقلید جاهل از عالم است. مانند تبعیت بی چون و چرایی که بیمار نسبت به دستورات پزشک دارد یا تبعیتی که جاهل به احکام شرعی از سخنان عالم به احکام شرعی دارد.

غیر از این را نه عقل می‌پذیرد و نه نقل اجازه می‌دهد؛ مانند پیروی جاهل از جاهل یا عالم از جاهل. کاری که مصداق این نوع تقلیدها باشد از نظر قرآن مردود است و داشتن عناوینی مانند میراث فرهنگی هم نمی‌تواند رنگ صحت و حقیقت به این پیروی غلط و باطل بزند؛ خواه این کار بت پرستی باشد، خواه چهارشنبه سوری.

تقوا مهم‌ترین اثر و شاخص قبولی روزه

فِرَازِ چَهَارم: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۸۳- بقره)

بنا بر نظر علامه طباطبایی (ره) این آیه مقدمه ایست برای اعلام حکم وجوب روزه که در دو آیه بعد می‌آید. آنچه در این آیه آمده و از اهمیت بالایی هم برخوردار است بیان اثر روزه است.

عبارت لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ که در پایان آیه آمده است در حقیقت اشاره به اثری است که روزه بر روح و جان آدمی می‌گذارد. تقوا به زبان ساده، یعنی حالتی در انسان که او را از گناه باز دارد. تقوا همان حال خوشی است که روزه داران ماه خدا آن را در ایام پایانی ماه رمضان به خوبی احساس می‌کنند. حال خوشی که انسان رغبتی به گناه نداشته بلکه از آن متنفر است و در عوض به عبادات، خصوصاً قرائت قرآن و خواندن دعا بسیار رغبت دارد.

نکته دیگر اینکه این اثر، ملاک خوبی برای نمره دادن به روزه است. هر کس به خود مراجعه کند و با توجه به تأثیری که روزه در تقوا سازی او داشته است به روزه خود نمره دهد و بداند که این کار، عمل به توصیه امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که فرمود: حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا عملکرد جان خود را محاسبه کنید قبل از آنکه در قیامت آن را به حساب کشند.

دو شرط مهم در اجابت دعا

فِرَازِ پنجم: وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ (۱۸۶- بقره)

هنگامی که بندگانم از تو سراغ مرا می‌گیرند، همانا من نزدیکم؛ دعای دعا کننده‌ای که مرا بخواند اجابت می‌کنم. در این آیه، خداوند متعال با مقید کردن وعده اجابت به «إِذَا دَعَانِ»، دو شرط مهم در دعا را به ما گوشزد می‌کند:

یکی اینکه دعا باید حقیقتاً دعا باشد. «أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» مانند آن است که بگوییم: عالم را احترام کن در صورتی که عالم باشد. این جمله یعنی آن عالمی را احترام کن که حقیقتاً عالم باشد و به علم خود عمل کند. جمله إذا «دَعَانِ» نیز می‌فهماند که وعده اجابت در مورد دعایی است که حقیقتاً دعا باشد یعنی قلب دعاکننده آن با زبانش موافق باشد؛ چون دعای حقیقی آن دعائی است که قبل از زبان سر، زبان قلب و فطرت که دروغ در کارش نیست آن را بخواهد.

دوم اینکه فرمود «دَعَانِ؛ مرا بخواند». دعایی وعده اجابت دارد که دعاکننده واقعاً آن را از خدا بخواهد؛ پس اگر کسی به زبان، خدا را خواند و در دل، امیدش به اسباب عادی و امور وهمی بود چنین کسی خدا را به دل نخوانده و شرط اجابت دعا را رعایت نکرده است.

ورود ممنوع‌های الهی

فراز ششم: تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره- ۲۳۹)

این فراز در پایان آیه‌ای قرار دارد که خداوند متعال تعدادی از احکام الهی را در آن بیان کرده و در نهایت فرموده است: این‌ها حدود و مرزهای الهی است؛ از آن تجاوز نکنید و آن‌ها که از آن تجاوز می‌کنند ستمگرند.

در این آیه تعبیر لطیفی درباره قوانین الهی به چشم می‌خورد و آن تعبیر به «حد» و «مرز» است. بر این اساس، در میان کارهایی که انسان می‌تواند انجام دهد یک سلسله مناطق ممنوعه‌ای وجود دارد که ورود در آن‌ها فوق‌العاده خطرناک است. خداوند متعال با قوانین و احکام این مناطق را مشخص کرده و بسان علائمی هشدار دهنده انسان را از ورود به آن منع می‌کند. بنابراین کسی که معصیت کرد و به این قوانین بی‌اعتنایی نمود در حقیقت با تجاوز از حد و مرز الهی خود را به دست خود به هلاکت انداخت و بدبخت کرد.

با توجه به این اصل است که در آیه ۱۸۷ همین سوره می‌بینیم که حتی از نزدیک شدن به این مرزها هم نهی شده است تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا؛ زیرا نزدیکی به این مرزها، انسان را بر لب پرتگاه قرار می‌دهد و نیز در روایات وارده از طرق اهل بیت علیهم السلام می‌خوانیم که از موارد شبهه‌ناک نهی فرموده‌اند و گفته‌اند: این کار در حکم نزدیک شدن به مرز است و چه بسا با یک غفلت انسانی که به مرز نزدیک شده گام در آن طرف بگذارد و گرفتار هلاکت و نابودی شود.

دو جور دعای متفاوت

فراز هفتم: فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ (۲۰۰) وَ مِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۰۱) أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (بقره- ۲۰۲)

بر اساس این بخش از آیات، درخواست‌های قلبی مردم از خداوند متعال به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول درخواست‌هایی اند که فقط به دنیا ختم می‌شوند و کاری به آخرت ندارند؛ یعنی کسی که چنین می‌خواهد برایش مهم نیست که آیا این خواسته او برایش بهشت می‌سازد یا جهنم؛ او پول می‌خواهد و حلال و حرامش برایش مهم نیست. وعده خدا به این عده بی‌نصیبی از نعمت‌های آخرت است.

دسته دوم درخواست کسانی است که با نگاه به آخرت از خدا طلب می‌کنند. برای این‌ها مهم است که مطلوبشان چه تأثیری در قیامت آن‌ها خواهد گذاشت از این رو درخواست خود را با قید حسنه از خدا می‌خواهند. وعده خدا به این گروه بهره مندی از نعمت‌های بهشت است.

جنگ تا کی ادامه خواهد داشت؟

فراز هشتم: لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا (۲۱۷- بقره)

شاید برای شما هم این سوال پیش آمده باشد که این جنگ افروزی های دشمنان بر علیه اسلام و مسلمانی از هر دو نوع، نرم و سخت یا گرم و سردش تا به کی ادامه خواهد داشت؟ آیا این نظریه درست است که اگر ما دست دوستی به سوی آنان دراز کنیم و بر سر میز مذاکره به هم لبخند بزنیم و در مقابل دوربین‌های خبری دست یکدیگر به محکمی بفشاریم این فشارها بر داشته می‌شود؟

پاسخ به این سوال نیاز به فرضیه سازی و تحلیل‌های آنچنانی ندارد؛ همین آیه مورد بحث به روشنی و صراحت فوق‌العاده ای پاسخ را بیان می‌کند که ای مسلمانان بدانید جنگ دشمن با شما پایانی ندارد؛ هدف دشمن، گرفتن دین شماست و او به کمتر از این راضی نیست؛ البته اگر بتواند. پس باید به هوش بود و فریب دست‌های مخملین و حرف‌های رویایی او را نخورد.

مگر آنکه دست از دشمنی بردارد و بر تمام قراردادهایی که بین دو طرف بسته می‌شود به واقع پایبند باشد؛ اینجاست که جنگ خاتمه یافته اما بیداری و حفظ آمادگی ادامه می‌یابد.

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>